

بهشت

روی زمین

کجاست؟

از : دکتر پروین کاظمی

در این دنیای پر آشوب و جنجالی که در کمتر نقطه جهان آسایش و آرامش واقعی و راحت خیال وجود دارد هر روز رادیو و تلویزیون از کشتارهای بی جهت و خرابیهای وحشتناک بی‌ثمر خبر داده و شنوندگان را اندوهناک می‌کند، اگر گوشه‌ای از زمین پیدا شود که مردم آن از شر قوانین مزاحم و پسی‌گیر و تمدن کبیچ‌کننده عصر حاضر و در بعضی موارد از آثار می‌شوم آن بر حذر بوده و فارغ از مبارزات کشورهای بزرگ و امپال خود خواهانه زمامداران آنها برای کسب قدرت بیشتر و مال و منال فزونتر زیست کنند بحق می‌توان آن گوشه از زمین خاکی را بهشت نامید.

خوشبختانه هنوز در گوشه و کنار این جهان چنین کشور آرزوئی وجود دارد و از ایران ما هم چندان دور نیست و حتی مردم آن با ایرانیها قرابت نژادی دارند.

در دره‌های ژرف و سرسبز و نزهت بخش کشمیر بین سرزمین اصلی چین و پاکستان و افغانستان و در دامنه‌های جبال هندوکوش که ارتفاع قلل آنها به ۷۰۰۰ متری رسد، کشور پادشاهی کوچک و مستقلی بنام هونزا Hunza قرار

گرفته که نام آنرا کمتر کسی شنیده است. مردم آن از نژاد تقریباً خالص آریایی بوده و بروایت افسانه‌ها از اولاد سربازان اسکندر مقدونی هستند که با سپاه اسکندر به هندوستان آمده و صفحات شمالی این قاره کوچ کرده‌اند. رنگ صورت و بدن آنها سفید، مویشان اغلب زربین و تخم چشمهایشان آبی است و از این جهت با همسایگان گندم گسورن یا تیره رنگ و سیاه موی خود کاملاً تمایز دارند.

مردم هونزا از سالیان کهن جنگجو و در سواری مهارت داشته و در تاخت و تاز بی نظیرند و طبق روایات اغلب سرزمین چین را جزو لنگام اسپان خود قرارداده و از آنان باج می‌ستانیدند. ناچار خاقان چین برای آنکه از شر تجاوزات آنها بشهرهای کاشغر و سمرقند و دیگر آبادیها و غارت اموال پیروان خود در امان باشد سالیانه مبالغی وجه نقد و هدایای جنسی به آنها می‌داده تنها راه ارباب رواین کشور که آنرا با همسایگان مربوط می‌سازد جاده تنگ خاکی است که یکصد کیلومتر طول دارد و بشهر «چیل گیت» Gilgit در کشمیر پاکستان منتهی می‌شود.

اما گذشتن از این جاده در حکم حادثه جویبی است و حداقل وقت برای عبور از این جاده هشت ساعت است بشرطی که از طرف مقابل وسیله نقلیه‌ای نیاید زیرا این راه یک طرفه است و باتنگی جاده گذشتن دو وسیله نقلیه از هم کاری است بس دشوار.

مرزهای این کشور هم خیلی مشخص نیست اما در دره‌های ژرف و خرم آنها که نسیم لطیف دشت و کوهستان گل‌های رنگارنگ و دریاچه‌های خوش بوی چمنزارها را نوازش داده و بادی در هر نفس حیات تازه می‌بخشد، تندرست‌ترین و شاید خوش‌بخت‌ترین مردم جهان زیست می‌کنند. بهمین جهت از حیث طول عمر با مردم سالمند قفقاز که بدرازی عمر شهره آفاق هستند رقابت دارند و در آنجا باسانی میتوان مردوزن بیشتر از یکصد و ده ساله یافت. شاید علت آن باشد که قوت غالب این مردم علاوه بر نان گندم و جو مخصوصاً در تابستان سبزیجات و لبنیات و میوه‌های خوش طعم گوناگون و رنگارنگ است و بخصوص

زردآلو و هلو و سیب و کلابی و آلو و کیلاس آن شهرت فراوان دارد. گوسفند و بز را هم برای استفاده از شیر آنها پرورش می‌دهند و بندرت از گوشت این چهار-پایان تغذیه می‌کنند.

آدم فربه در هو نزا دیده نمی‌شود و همه لاغر اندام و چابک بوده علاوه بر کارهای کشاورزی و آبادانی و اشتغال بصنایع روستائی تفریح روزانه آنها اسب سواری و چوگان بازی و کوه پیمائی در راههای صعب جبال هندو کوش است.

در هر دهکده زمین چوگان بازی ساخته شده ولی مقررات سخت این بازی بر بازی کنان حکم فرما نیست.

گاه بیماری دردهای خود را با گیاهان گوناگون که در کوهها و دشتهای فراوان می‌روید و طی سالیان دراز بخواس شفا بخش آنها آشنائی دارند درمان می‌کنند و از داروهای شیمیائی اثری در هو نزا نیست.

نفوس این کشور از ۴۰۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند و فرمانروای آن حضرت محمد جمال خان است که در حدود چهل و پنج سال دارد و سوارکار و چوگان باز ماهری بوده و فرمانروای مطلق و عادل این کشور است. او از ملت هو نزا مطالبه مالیات نکرده و از درآمد کشاورزی و سایر عوائد خود زیست می‌کند و سپاهی هم برای نگهبانی خود و مردم تشکیل نداده است چه در موقع خطر همه مردم بدفاع از خاک خویش می‌پردازند و چون با عدالت و نصفت بر آنها حکومت می‌کند اختلافی هم با مردم ندارد.

با وجودی که مردم هو نزا خوی جنگجویی دارند از اعمال شدید و جمله و تجاوز بجان و مال مردم اثری در آنجا نیست در سالهای اخیر فقط یکبار قتلی واقع شد که قاتل را محکوم به نفی بلد کردند زیرا بنظر آنها طرد انسان از جامعه‌ای که زیست در آن خو گرفته است از مجازات اعدام که در اغلب ممالک نصیب قاتلین می‌شود شدیدتر و جان فرساتر است.

اگر کسی بدلت تخلف از عادات زندگی محکوم بحبس شود چون در هو نزا زندان وجود ندارد او را روانه زندانهای پاکستان می‌کنند.

دین و آئین مردم هونزا مسلمان و از پیروان فرقه اسمعیلیه هستند و با آداب مذهبی پای بند می باشند.

زنان روباز بوده و با مردان در امور کشاورزی و گله داری کمک می کنند آموزش و پرورش دهونزا مجانی است از تمدن جدید و پیشرفتهای اقتصادی که امروز ورد زبانها است در این سرزمین اثری نیست چون با زندگی روستایی و زمینهای کم و امکانات محدودی که دارند نیازی بآن ندارند.

چندی پیش که امپرهونزا خواست دموکراسی غربی را با وضع قوانین جدید در کشور خویش برقرار کند و باشیوخ قوم این موضوع را در میان گذاشت آنها گفتند ما خود مردمی آزاده ایم و آنچه دموکراسی گفته می شود ب معنای تمام در کشور وجود دارد چه بین ملت و حکومت تباین و فرقی نیست و مشکلات ما با اصلاح دیدیکدیگر حل و فصل می شود لذا ب واردات سیاسی فرهنگی ما حاجت نیست چون هونزا در نقطه دور افتاده جهان قرار گرفته جهانگردان کمتر بآن رومی آورند .

شاید بهمین علت این سرزمین نیک بخشان دست نخورده مانده و مردم آن در رفاه و آسایش واقعی که سالهاست با زندگی ماشینی از زندگی غیر بیهارخت بر بسته و از این جهت انگشت حسرت بدندان می گیرند بسر می برند.

چون در این سرزمین آزاده کسی را با کسی کاری نیست آیا بجا نخواهد بود آنرا قطعه ای از بهشت عنبر سرشت در روی کره زمین بنامیم ؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی